

اندازه‌گیری فقر با تأکید بر خانوارهای شهری استان مازندران طی سالهای ۱۳۶۹-۱۳۷۵

نویسندگان: (۱) دکتر خسرو پیرایی و شهریار شفیعی

چکیده

بزرگترین مشکل انسان در طول تاریخ ظلم اقتصادی بوده است که به صورت فقر خود را نمایان ساخته و می‌سازد. از آنجا که جامعه اسلامی، جامعه منهای فقر است و میزان تحقق آن با درجه عدم حضور فقر در جامعه شناخته می‌شود، بررسی و اندازه‌گیری فقر و ابعاد آن ضرورت پیدا می‌کند. در این مقاله به منظور اندازه‌گیری فقر از منحنی ابعاد فقر استفاده شده است. این منحنی می‌تواند با اندازه‌گیری اصابت، شدت و نابرابری فقر و محاسبه شاخصهای مهم آن، رابطه بین ابعاد و شاخصهای مهم فقر را نشان دهد. نتایج به دست آمده از محاسبات بین ابعاد فقر و شاخصهای مهم آن در خانوارهای شهری استان مازندران طی سالهای ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۵ حاکی است که شدت و اصابت فقر افزایش یافته، در حالی که نابرابری درآمد بین افراد فقیر تغییر محسوسی نداشته است.

کلمات کلیدی: فقر، شدت و نابرابری فقر، خانوارهای شهری، استان مازندران.

۱. مقدمه

مسئله فقر با توسعه اقتصادی در تمامی کشورها رابطه‌ای متقابل دارد. به عبارت دیگر از یک طرف، توسعه اقتصادی پایدار برای کاهش دائمی فقر ضروری است و از طرف دیگر، کاهش فقر تضمینی برای توسعه اقتصادی پایدار تلقی می‌شود. بنابراین، لازمه رسیدن به رشد و توسعه اقتصادی، کاهش فقر است. با توجه به مراتب فوق، معرفی روشها و شاخصهایی که فقر را اندازه‌گیری کنند، بسیار مهم است.

امروزه مشکل فقر و نابرابری در زمره مسائل حاد و مهم به حساب می‌آید، به طوری که تقریباً در تمام کشورها، کاهش فقر و نابرابری از جمله اهداف اصلی سیاستهای اقتصادی به

۱. به ترتیب استادیار و مربی گروه اقتصاد نظری دانشگاه مازندران.

شمار می‌رود. در ایران نیز تلاشهای بسیاری برای تدوین سیاستهای کاهش فقر و نابرابری صورت گرفته است.

برای شناخت ابعاد فقر و وضعیت فقرا در جامعه به شاخصهای مناسبی نیاز است تا مسأله فقر به دقت بررسی گردد. گرچه تمیز فقر و غنا در ابتدا واضح به نظر می‌رسد، اما دارای پیچیدگیهای بسیار است. این موضوع به تعریف از پیش تعیین شده‌ای برای فقر و غنا بستگی دارد؛ یعنی در یک زمان و مکان خاص کسی را که روزی یک قرص نان داشته باشد فقیر به حساب نمی‌آورند و در زمان و مکانی دیگر، کسی را که نتواند از تعطیلات آخر هفته برای مسافرت تفریحی استفاده کند فقیر می‌دانند. این تفاوت فاحش در تعریف فقر به طور عمده با توان اقتصادی، و نظام سیاسی و اجتماعی جامعه در ارتباط است. به عنوان مثال، در امریکای شمالی یک خانوار متوسط پایین، صاحب تلویزیون رنگی، یخچال، ماشین لباسشویی، حرارت مرکزی و شاید اتومبیل مشخص است، در حالی که در ژاپن نداشتن تلویزیون رنگی و حرارت مرکزی عادی به نظر می‌رسد و در هندوستان داشتن یک قرص نان و سایه‌بان کافی است.^(۱)

محبوب الحق، اقتصاددان پاکستانی می‌گوید:^(۲) «به ما یاد داده شده که به فکر تولید ناخالص ملی باشیم، زیرا تولید ناخالص ملی خود مسأله فقر را حل خواهد کرد. اکنون بیایید این جریان را معکوس کنیم و به فکر فقر باشیم، چون فقر مسأله تولید ناخالص ملی را حل خواهد کرد».

در خصوص مفهوم فقر، ارائه تعریفی که برای زمانها و مکانهای مختلف یکسان باشد، مقدور نیست. به طور کلی فقر هنگامی در یک جامعه بروز می‌کند که برخی افراد از سطح معینی از رفاه که طبق معیارهای آن جامعه حداقل معقول تلقی می‌شود، برخوردار نباشد. بدین ترتیب، ممکن است در یک کشور محرومیت از امکاناتی که برای حیات ضروری است فقر تلقی شود و در کشوری دیگر، فقر به معنای محرومیت نسبی از شرایط و امکانات یک زندگی معقول در آن کشور به حساب آید.

شناخت ابزار و شاخصهایی که بتواند فقر را در زمانهای مختلف اندازه‌گیری کند، بسیار مهم به نظر می‌رسد. لذا این مقاله به دنبال معرفی روش جدیدی تحت عنوان «منحنی ابعاد فقر» است. این منحنی، می‌تواند معیار جدیدی برای شناسایی افراد فقیر در جوامع تلقی شود که علاوه بر استفاده از تکنیکها و شاخصهای قدیمی، قادر است ارتباط بین آنها را نیز بیان کند. همچنین این منحنی به طور همزمان سه بعد مختلف فقر (اصابت^(۳)، شدت^(۴) و نابرابری^(۵)) را

۱. پژوهش جمشید، فقر، خط فقر و کاهش فقر، مجله برنامه و بودجه، شماره ۲، ویژه‌نامه فقرزدایی، ۱۳۸۵، صفحه ۸.

۲. محبوب الحق، «بردم و توسعه»، ترجمه عزیز کیانوند، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۹، تیر ۱۳۶۸، صفحه

نیز نشان می‌دهد.

بدین منظور این مقاله علاوه بر معرفی یک منحنی جدید، کاربرد آن را نیز نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، منحنی بیان شده را برای خانواده‌های شهری استان مازندران از سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۵ اندازه‌گیری کرده، وضعیت فقر در خانوارهای شهری استان مازندران را در سالهای فوق مقایسه می‌کند و به این سؤالات پاسخ می‌دهد: آیا در فاصله زمان مورد نظر شدت فقر افزایش یافته است؟، آیا نابرابری درآمد شدید بوده است؟ و اصابت فقر به چه میزان بوده است؟.

۲. معرفی الگو

در این قسمت، ابتدا منحنی ابعاد فقر معرفی می‌گردد و سپس کاربرد این منحنی نشان داده خواهد شد.^(۶) این منحنی - همان‌طور که از اسم آن برمی‌آید - قادر است به طور همزمان سه مشخصه مهم در مورد فقر، یعنی اصابت، شدت و نابرابری را نشان دهد. این در حالی است که هیچیک از الگوهایی که تاکنون مطرح شده‌اند، چنین توانی را ندارند. در این منحنی، اصابت فقر (درصد افراد زیر خط فقر)، شدت فقر (معیار سنجش افراد فقیر) و نابرابری فقر (بین افراد فقیر) به طور همزمان اندازه‌گیری و در یک نمودار ترسیم می‌شوند. همچنین از آنجا که ساختار این منحنی بر مبنای درآمد اسمی افراد (خانوار) است، استفاده از آن برای اندازه‌گیری شاخصهای مذکور به طور همزمان به منظور مقایسه بین نواحی مختلف یک کشور، استان یا گروههای مختلف جمعیت بسیار مفید خواهد بود. به همین منظور در این مقاله مقایسه‌ای بین سه شاخص بیان شده برای خانوارهای شهری استان مازندران طی سالهای ۱۳۶۹-۱۳۷۵ انجام شده است. تابع مورد استفاده این منحنی به صورت زیر است:

$$g_i = \text{Max} (z - y_i, 0) \quad ; \quad i = 1, 2, \dots, n \quad (1)$$

که در آن g_i شکاف فقر خانوار (فرد) i ام، z خط فقر از پیش تعیین شده و y_i درآمد خانوار (فرد) نام است. تابع فوق «تابع شکاف فقر» نام‌گذاری شده است. بنابراین، شکاف فقر را می‌توان بر مبنای پایه درآمدی (x_i) نیز تعریف کرد:

3. Incidence.

4. Intensity.

5. Inequality.

۶. این منحنی برگرفته از منحنی با نام TIP است. TIP در زبان انگلیسی مخفف Three "I'S of poverty است. که سه شاخص با نامهای Intensity, Incidence, Inequality را نشان می‌دهد و به ترتیب در این مقاله به «نابرابری فقر»، «اصابت فقر» و «شدت فقر» ترجمه شده است. برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به:

Jenkins and Lambert, "Three "I'S of Poverty Cuves ' With an Analysis of Uk poverty trends", Oxford Economic Papers, Vol 49, No 3, 1997.

$$x_i = \text{Min} (y_i, z) = z - g_i \quad (۲)$$

تابع شکاف فقر معرفی شده را می‌توان به صورت زیر نرمال کرد:

$$b_i = \text{Max} \left(\frac{z-y_i}{z}, 0 \right) = \text{Max} \left(1 - \frac{y_i}{z}, 0 \right) \quad ; \quad i = ۱ \text{ و } ۲ \text{ و } \dots \text{ و } n \quad (۳)$$

تابع شکاف فقر نرمال شده فوق، برای مقایسه منحنی ابعاد فقر بین سالهایی که خط فقر تغییر کرده بسیار مفید است. در این مقاله نیز چون خط فقر در سالهای مورد بررسی نوسان بسیار داشته، از این روش استفاده شده است، تا امکان مقایسه وجود داشته باشد.

برای ترسیم منحنی ابعاد فقر بر اساس g_i یا b_i باید به صورت زیر عمل کرد.

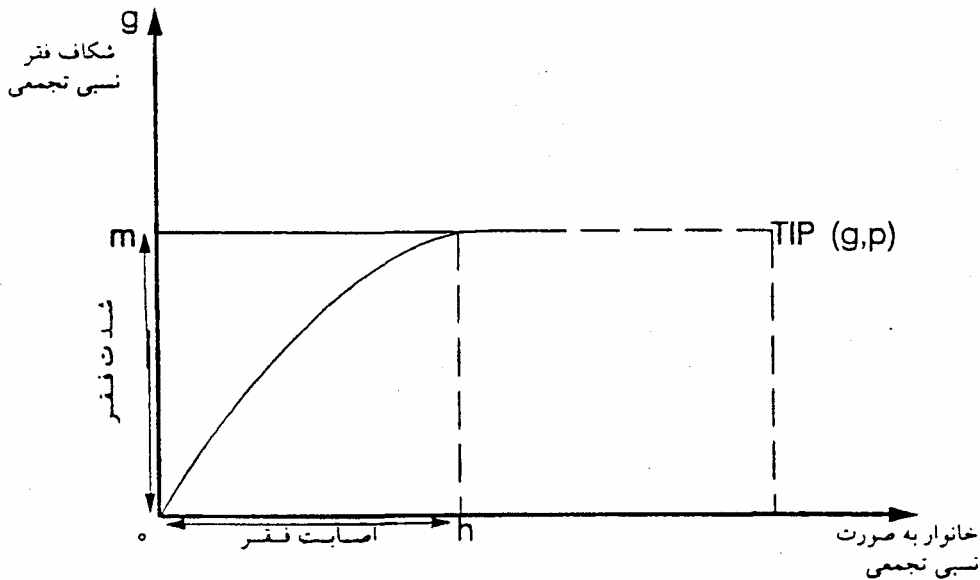
ابتدا تمامی n مشاهده را از نزولی به صعودی مرتب می‌کنیم. سپس آنها را به یک صورت نسبی تجمعی درآورده روی محور افقی قرار می‌دهیم. به عبارت دیگر، محور افقی نشان‌دهنده منحنی ابعاد فقر (برای شکاف فقر نرمال شده b_i) می‌باشد که از صفر تا یک نوسان خواهد داشت. در ادامه ملاحظه خواهید کرد که اصابت فقر یا همان درصد افراد زیر خط فقر روی این محور مشخص می‌شود. سپس با توجه به تعداد خانوارها که به صورت نسبی تجمعی بیان شده، شکاف فقر نیز به صورت نسبی تجمعی محاسبه می‌شود. شکاف فقر نسبی تجمعی، بیان‌کننده یکی دیگر از شاخصهای مورد بررسی این منحنی به نام «شدت فقر» است. اگر در این منحنی از شکاف فقر استفاده شود، این محور «خط فقر» و اگر از شکاف فقر نرمال شده استفاده شود این محور مانند «خط فقر» یک معیار سنجش برای شناسایی افراد فقیر محسوب می‌گردد.

حال با مشخص شدن محور افقی و عمودی قادر خواهیم بود منحنی را رسم کنیم. شیب منحنی، نابرابری در بین فقرا را نشان می‌دهد. همان‌طور که در نمودار ۱ مشاهده می‌شود، محور افقی تا نقطه h اصابت فقر (درصد افراد زیر خط فقر) است. این منحنی از نقطه h افقی می‌شود که نشان می‌دهد افراد بالای خط فقر قرار دارند و شکاف فقر آنها صفر شده است. به عبارت دیگر، فاصله h تا زمانی که منحنی ابعاد فقر افقی است، درصد افراد غیر فقیر را نشان می‌دهد.^(۱)

۱. برای توضیح بیشتر رجوع کنید به:

شفیعی شهریاری، انگرشی جدید به مسأله فقر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اقتصادی دانشگاه مازندران به راهنمایی دکتر خسرو پیرایی، دیماه ۱۳۷۷.

نمودار ۱: منحنی ابعاد فقر



همان‌طور که ملاحظه می‌شود، پایه تئوریک این منحنی مانند منحنی لورنز است، یعنی با مرتب کردن مشاهدات و محاسبه داده‌ها به صورت نسبی تجمعی، منحنی قابل ترسیم است. چنین شباهتهایی باعث شده تا عده‌ای معتقد باشند که این منحنی همان منحنی لورنز چرخانده شده است.

محور عمودی، بُعد دیگر فقر را مشخص می‌کند. در نمودار ۱ نقطه m شکاف فقر متوسط است. مقدار m برای مقایسه شدت فقر در منحنیهای ابعاد فقر به کار می‌رود. زمانی که شکاف فقر نرمال نشده باشد، شدت فقر برابر خط فقر خواهد بود. به عبارت دیگر، اگر n خانوار مورد بررسی قرار گیرند و همگی n نفر زیر خط فقر باشند، شکاف فقر همان خط فقر است. به زبان ریاضی، برای آنکه فقر به حداکثر خود برسد فرض می‌شود تمامی n خانوار فاقد درآمد بوده‌اند یعنی:

$$\sum_{i=1}^n y_i = 0 \qquad y_1 = y_2 = \dots = y_n = 0$$

پس:

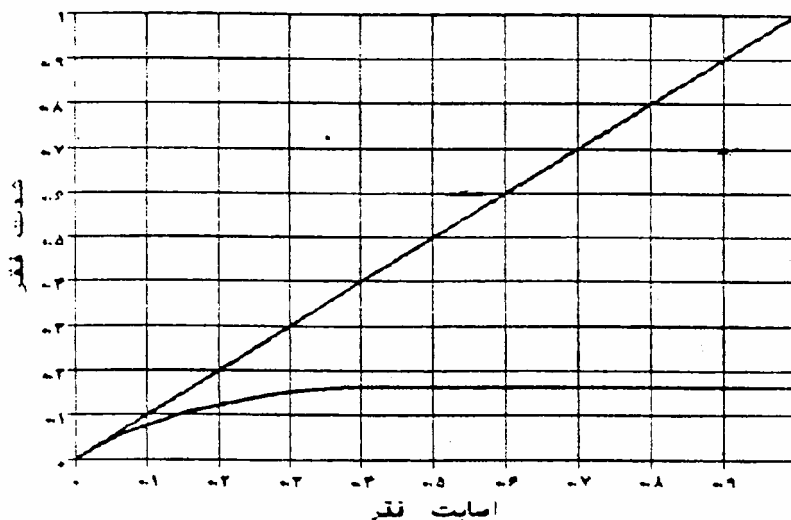
$$\frac{\sum_{i=1}^n g_i}{n} = \frac{\sum_{i=1}^n (z-y_i)}{n} = z$$

بنابراین، ارتفاع منحنی یا شدت فقر همان خط فقر است. یعنی در نمودار ۱ همان خط فقر (Z) و h اصابت فقر برابر یک است. بنابراین، ۱۰۰ درصد افراد زیر خط فقر قرار دارند. بُعد سوم فقر (نابرابری)، انحنا منحنی قبل از افقی شدن است. به عبارت دیگر، شیب خط مستقیم در نمودار ۱ حداکثر نابرابری را در جامعه نشان می‌دهد. از مقایسه این خط با انحنا منحنی می‌توان به شدت نابرابری فقر پی برد. به طور مثال، در جامعه‌ای که درآمد هیچ فردی زیر خط فقر نباشد، شکاف فقر و منحنی به صورت خط افقی و منطبق بر محور افقی خواهد بود.

۳. منحنی ابعاد فقر برای خانوارهای شهری استان مازندران

منحنی ابعاد فقر خانوارهای شهری استان مازندران در سال ۱۳۶۹ در نمودار ۲ نشان داده شده است.

نمودار ۲: منحنی ابعاد فقر خانوارهای شهری استان مازندران (سال ۱۳۶۹)



منبع: بر اساس اطلاعات موجود در هزینه و درآمد خانوار که محاسبات توسط محقق انجام شده است.

همان‌طور که بیان شد، خط ۴۵ درجه حداکثر فقر است. به منظور بررسی دقیق و معرفی بهتر ابعاد فقر، منحنی به گونه‌ای که در نمودار ۳ ملاحظه می‌شود، رسم می‌گردد. با توجه به نمودار ۲، شدت، اصابت و نابرابری فقر به ترتیب ۰/۱۶۳، ۰/۴۱۵ و ۰/۳۵۹ تعیین شده است. مساحت زیرخط فقر و بالای منحنی ابعاد فقر بعد نابرابری فقر را نشان می‌دهد. هر چه مساحت فوق به ۰/۵ نزدیکتر باشد، نابرابری کمتر و هر چه به صفر متمایلتر شود نابرابری بیشتر خواهد شد.

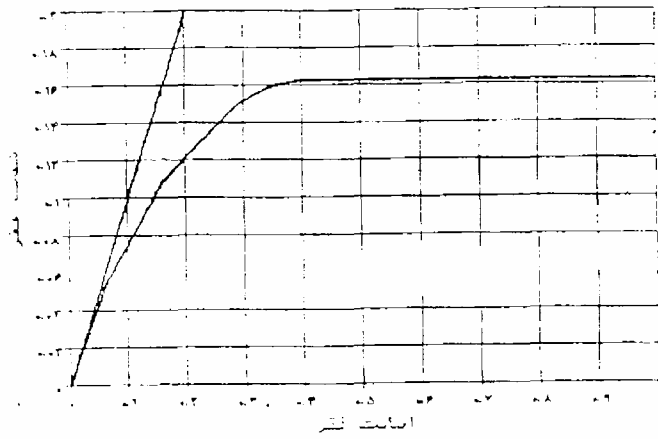
در نمودار ۴ تا ۹، ابعاد فقر بین سالهای مختلف مورد بررسی قرار گرفته و نتایج مربوط در جدول ۱ خلاصه شده است.

همان‌طور که ملاحظه می‌گردد از سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۰، شدت فقر از رقم ۰/۱۶۳ به ۰/۱۳۲ کاهش یافته است. به عبارت دیگر، گرچه خط فقر از سال ۱۳۶۹ به ۱۳۷۰ بالاتر آمده، اما فقر در جامعه شدیدتر نشده است. اصابت فقر هم از ۰/۴۱۵ به ۰/۳۲۴ رسیده، یعنی درصد افراد فقیر کاهش یافته است. مساحت زیرخط حداکثر فقر و بالای منحنی نیز از ۰/۳۵۹ به ۰/۳۸۳ تغییر یافته است که حکایت از کاهش نابرابری فقر دارد. در نتیجه، ابعاد فقر در سال ۱۳۷۰ نسبت به سال ۱۳۶۹ کاهش پیدا کرده است.

شدت فقر در سال ۱۳۷۱ با رقم ۰/۱۶۴ نسبت به سال قبل افزایش و اصابت فقر نیز در مقایسه با سال ۱۳۷۰ از ۰/۳۳۳ به ۰/۴۰۷ افزایش یافته است. به عبارت دیگر، میزان افراد فقیر هفت درصد افزایش یافته است. مساحت زیرخط حداکثر فقر و بالای منحنی از ۰/۳۸۳ به ۰/۳۵۹ تغییر کرده که نشان از افزایش نابرابری فقر دارد. بنابراین، می‌توان گفت که هر سه شاخص فقر در سال ۱۳۷۱ نسبت به ۱۳۷۰ با افزایش روبه‌رو بوده‌اند.

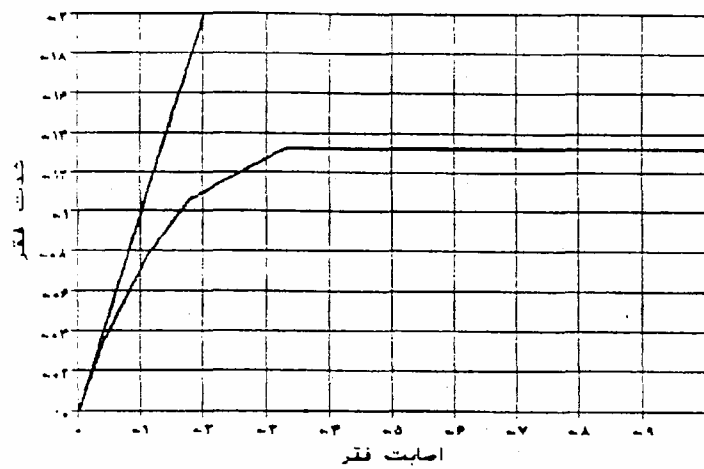
سیر افزایشی سه شاخص مذکور در سال ۱۳۷۲ نیز ادامه داشته است، به طوری که شدت فقر به رقم ۰/۱۷۶ و اصابت فقر به ۰/۴۲۹ رسیده است. همچنین از فاصله بین خط حداکثر فقر و منحنی کاسته شده و مساحت آن به ۰/۳۴۸ رسیده که به مفهوم افزایش نابرابری فقر است.

نمودار ۳: منحنی ابعاد فقر خانوارهای شهری استان مازندران (سال ۱۳۶۹)



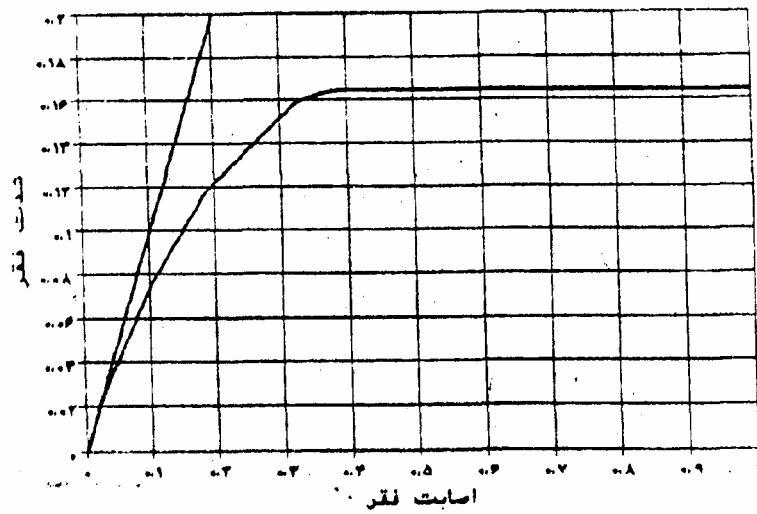
منبع: احمدیان

نمودار ۴: منحنی ابعاد فقر خانوارهای شهری استان مازندران (سال ۱۳۷۰)



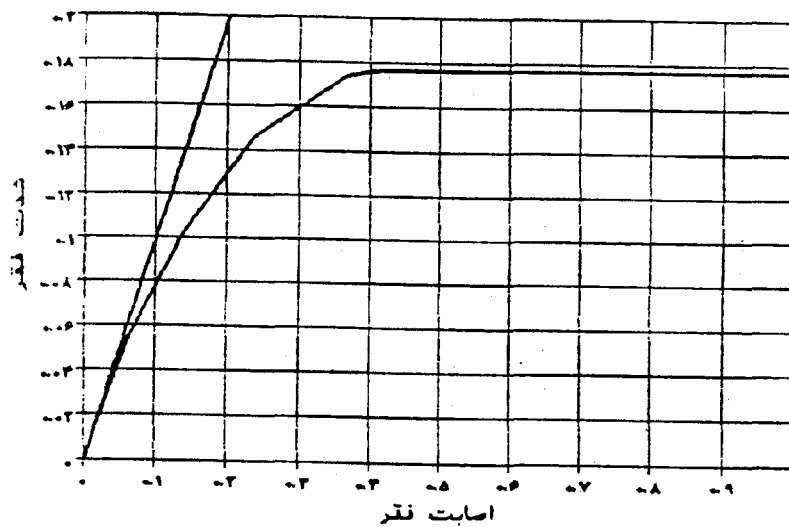
منبع: احمدیان

نمودار ۵: منحنی ابعاد فقر خانوارهای شهری استان مازندران (سال ۱۳۷۱)



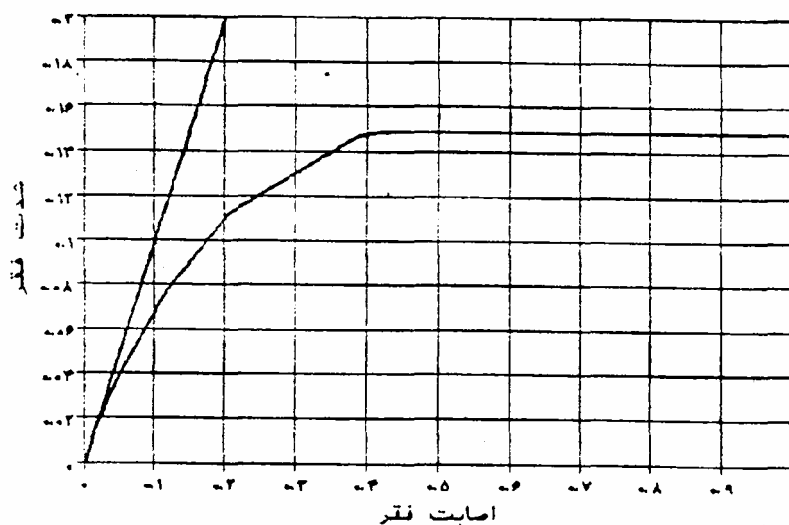
منبع: همان

نمودار ۶: منحنی ابعاد فقر خانوارهای شهری استان مازندران (سال ۱۳۷۲)



منبع: همان

نمودار ۷: منحنی ابعاد فقر خانوارهای شهری استان مازندران (سال ۱۳۷۳)

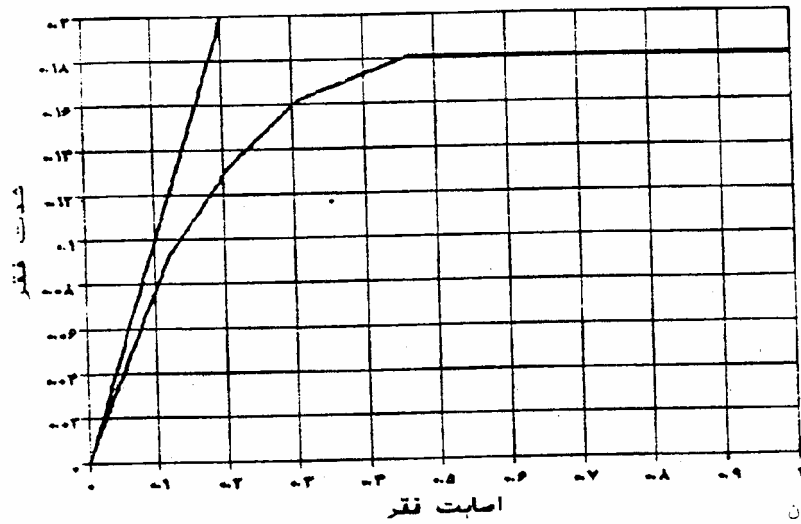


منبع: همدان

نمودار ۷، نشان دهنده منحنی ابعاد فقر در سال ۱۳۷۳ است. این منحنی، کاهش شدت فقر به ۰/۱۴۹ و افزایش اصابت فقر به میزان کمتر از یک درصد - یعنی از رقم ۰/۴۲۹ در سال ۱۳۷۲ به ۰/۴۳۷ در سال ۱۳۷۳ - را نشان می دهد. این منحنی همچنین حکایت از کاهش نابرابری فقر دارد. بنابراین، علی رغم کاهش شدت و نابرابری فقر، خانوارهای بیشتری زیرخط فقر قرار گرفته اند.

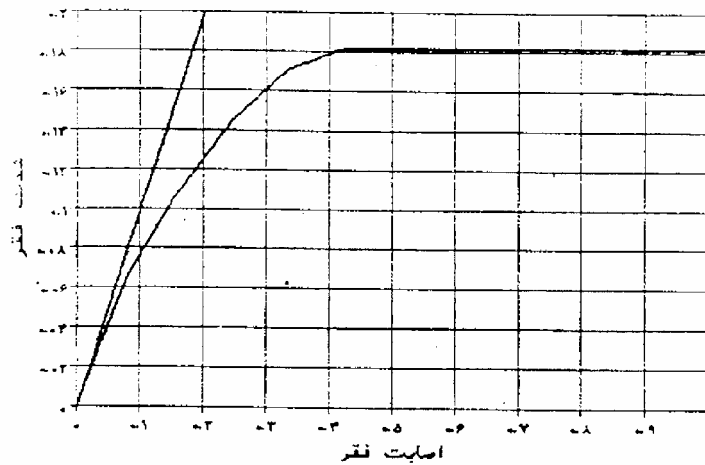
نمودار ۸، منحنی ابعاد فقر خانوارهای شهری در سال ۱۳۷۴ را نشان می دهد. در سال ۱۳۷۴، میزان فقر، اصابت فقر و نابرابری فقر افزایش یافته؛ یعنی سه شاخص فقر جریان صعودی داشته است. توجه به نمودار ۹ نشان می دهد که هرچند شدت فقر در استان مازندران در سال ۱۳۷۵ به ۰/۱۸۱ یعنی بالاترین رقم طی سالهای مورد بررسی رسیده، اما اصابت فقر تا رقم ۰/۴۵ کاهش پیدا کرده است. در سال مذکور نابرابری فقر به میزان جزئی افزایش یافته است.

نمودار ۸: منحنی ابعاد فقر خانوارهای شهری استان مازندران (سال ۱۳۷۴)



منبع: همان

نمودار ۹: منحنی ابعاد فقر خانوارهای شهری استان مازندران (سال ۱۳۷۵)



منبع: همان

به منظور مقایسه ابعاد فقر و شاخصهای مهم آن، خلاصه محاسبات در جدول ۱ گردآوری شده است. همان طور که در این جدول دیده می شود، ضریب جینی در طول دوره مورد بررسی در سال ۱۳۷۲ به بیشترین مقدار خود یعنی ۰/۳۵۱ رسیده است. همچنین ضریب جینی در بین فقرا نیز در این سال رقم ۰/۲۵ بوده که بیشترین مقدار خود به شمار می رود. خط فقر در طول سالهای مورد بررسی، سیر صعودی داشته و به بیش از ۴ برابر افزایش پیدا کرده است. شاخص نسبت سرشمار (H) در منحنی ابعاد فقر همان «اصابت فقر» نامیده می شود که طی این مدت دارای نوسانات زیاد بوده است، به گونه ای که در فاصله سالهای ۶۹ تا ۷۰ و ۷۰ تا ۷۴ افزایش و پس از آن جریان کاهشی داشته است. در طی این دوره، اصابت فقر در سال ۱۳۷۴ بیشترین و در سال ۱۳۷۰ کمترین میزان را داشته اند.

شاخص نسبت شکاف درآمد (G) که از تقسیم شدت فقر بر اصابت فقر به دست می آید نشان می دهد که در طی سالهای مورد بررسی بطور متوسط حدود ۳۸ درصد متوسط درآمد اقشار فقیر جامعه باید افزایش یابد تا فقر از بین برود. بیشترین مقدار نسبت شکاف درآمد مربوط به سال ۱۳۷۲ (۴۱ درصد) است. شاخصهای نسبت شکاف درآمد ضریب جینی در بین فقرا و ضریب جینی کل جامعه نشان از نابرابری شدید در سال ۱۳۷۲ دارد، در حالی که بر اساس شاخص نسبت سرشمار بیشترین فقر مربوط به سال ۱۳۷۴ است.

جدول ۱: شاخصهای مهم تعیین کننده فقر در خانوارهای شهری استان مازندران^(۱)

| سال | ۱۳۶۹ | ۱۳۷۰ | ۱۳۷۱ | ۱۳۷۲ | ۱۳۷۳ | ۱۳۷۴ | ۱۳۷۵ |
|--------------------------|-----------|-----------|-----------|-----------|-----------|-----------|------------|
| ضریب جینی کل | ۰/۳۱۱۶۱ | ۰/۲۸۱۷۴۶ | ۰/۲۷۹۹۳ | ۰/۳۵۱۵۱ | ۰/۳۰۳۲۸۳ | ۰/۳۴۶۹۰۱ | ۰/۳۳۰۱۷۵ |
| ضریب جینی بین فقرا | ۰/۳۳۹۲۱۵ | ۰/۳۲۰۹۰۹ | ۰/۳۲۴۲۱۹ | ۰/۳۵۱۵۵۴ | ۰/۲۹۸۳۶۱ | ۰/۳۲۷۴۹۴ | ۰/۳۳۲۴۲۹ |
| خط فقر (میلیون ریال) | ۱۵۵۱۴۰۰ | ۱۹۱۵۹۱۱ | ۲۱۳۱۳۵۹ | ۲۶۶۱۱۰۶ | ۳۴۶۱۵۰۹ | ۵۱۲۳۹۰۲ | ۶۳۱۱۱۳۸ |
| شاخص نسبت سرشمار (H) | ۰/۴۱۵۱۹۴ | ۰/۳۳۳۹۳۲ | ۰/۴۰۱۰۱۱ | ۰/۴۲۱۵۷۱ | ۰/۴۳۶۹۶ | ۰/۴۷۵۱۵۲ | ۰/۴۵ |
| شاخص نسبت شکاف درآمد (G) | ۰/۳۹۹۹۱۳۸ | ۰/۳۹۴۹۱۳۸ | ۰/۴۰۴۰۶۹۱ | ۰/۴۱۳۹۶۵ | ۰/۳۹۱۳۹۱۴ | ۰/۳۸۱۹۴۳۳ | ۰/۴۰۰۰۷۱۶۴ |
| شاخص مرکب (S) | ۰/۱۴۷۳۴۲ | ۰/۱۰۸۱۱۹ | ۰/۱۴۳۱۹۱ | ۰/۱۶۴۰۶۷ | ۰/۱۳۳۲۳۶ | ۰/۱۷۲۳۶۴ | ۰/۱۶۱۲۳۸ |
| شاخص آکرتسون | ۲۸/۱۷۱۷۹ | ۲۷/۹۳۰۴۴ | ۲۰/۱۱۱۹۴ | ۲۳/۱۱۹۹۱۵ | ۲۱/۱۱۲۴۸ | ۲۰/۱۱۹۶۷ | ۱۸/۲۱۶۵۶ |
| اصابت فقر | ۰/۰۴۱۵۱۹۴ | ۰/۰۳۳۳۹۳۲ | ۰/۰۴۰۱۰۱۱ | ۰/۰۴۲۱۵۷۱ | ۰/۰۴۳۶۹۶ | ۰/۰۴۷۵۱۵۲ | ۰/۰۴۵ |
| شدت فقر | ۰/۱۶۲۷۱۵ | ۰/۱۳۱۱۹۱ | ۰/۱۶۴۴۶۳ | ۰/۱۹۶۴۹۱ | ۰/۱۹۱۵۱۷ | ۰/۲۱۰۵۲۴ | ۰/۲۱۸۱۳۶۸ |
| نابرابری فقر | ۰/۳۵۱۷۴۶ | ۰/۳۸۱۴۶۸ | ۰/۳۵۱۷۴۳ | ۰/۳۴۹۱۷۲ | ۰/۳۷۲۳۱۹ | ۰/۳۶۴۲۲۴ | ۰/۳۴۵۳۶۶ |

منبع: بر اساس اطلاعات موجود در هزینه هزینه و بودجه خانوار که محاسبات توسط محقق انجام شده است.

۱. برای اطلاعات بیشتر از رابطه ریاضی و محاسبه شاخصهای زیر رجوع شود به: مهریار امیرهورسنگ، فقر: تعریف و اندازه گیری آن، برنامه و توسعه، دوره ۴، شماره ۸، تابستان ۱۳۷۳.
۲. خط فقر مورد استفاده قرار گرفته در این مقاله استخراج شده از پایان نامه زیر است:
غلامی نتاج امیری سعید، تخمین خط فقر در استان مازندران در بررسی سیاستهای فقرزدایی در استان مازندران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، به راهنمایی دکتر نادران، ۱۳۷۷.

با توجه به شاخص مرکب (S) یا شاخص سن که در برگیرنده شاخصهای H و G و ضریب جینی به طور همزمان است، بیشترین نابرابری در سال ۱۳۶۹ و کمترین در سال ۱۳۷۰ وجود داشته است. شاخص آتکینسون بیشترین نابرابری را به سال ۱۳۶۹ و کمترین را به سال ۱۳۷۵ برمی‌گرداند. همان‌طور که ملاحظه می‌شود شاخصهای مختلف نتایج یکسانی ارائه نمی‌دهند. منحنی ابعاد فقر، علاوه بر بیان شاخص نسبت سرشمار FGT(۰) با نام «اصابت فقر» و نسبت شکاف درآمد یا FGT(۱) به نام «شدت فقر»، شاخص دیگری را نیز به نام «نابرابری فقر» معرفی می‌نماید. طبق شاخص اخیر همان‌طور که در جدول ۱ دیده می‌شود، بیشترین نابرابری سال ۱۳۷۵ و کمترین آن مربوط به سال ۱۳۷۰ است. بنابراین، برای نشان دادن مسأله فقر باید از شاخصهای گوناگون استفاده شود تا به طور همزمان بتوان درباره نابرابری، اصابت و شدت فقر اظهار نظر کرد و این کاری است که منحنی ابعاد فقر به طور یکجا انجام می‌دهد.

۴. یافته‌ها

در این مقاله روش جدیدی به منظور تحلیل مسأله فقر در استان مازندران ارائه شده است. روش فوق ضمن در برداشتن شاخصهای مهم فقر، مزیت مقایسه کردن فقر در زمان و مکانهای مختلف را نیز دربر دارد. با توجه به منحنی ابعاد فقر و محاسبات انجام شده، مهمترین یافته‌ها و نتایج حاصله به شرح زیر خلاصه می‌گردد:

- ۱- درصد افراد فقیر از سال ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۵ چهار درصد افزایش پیدا کرده، یعنی از ۰/۴۱ به ۰/۴۵ رسیده است. سال ۱۳۷۰ را می‌توان به عنوان سال کمترین درصد افراد زیر خط فقر (۰/۳۳) و سال ۱۳۷۴ را سال بیشترین درصد افراد زیر خط فقر (۰/۴۷) در استان مازندران معرفی کرد.
- ۲- در طی سالهای مورد بررسی - به استثنای سال ۱۳۷۰ - بیش از ۴۰ درصد خانوارهای شهری استان مازندران زیر خط فقر بوده‌اند.
- ۳- نابرابری در بین فقرا در خانوارهای شهری استان مازندران از نابرابری در کل جامعه خانوارهای شهری استان مازندران کمتر بوده است.
- ۴- به طور متوسط، میانگین درآمد افراد فقیر در استان مازندران از خط فقر برآورده شده در طی این سالها از ۴۰ درصد پایین‌تر بوده است.
- ۵- فقر در جامعه شهری استان مازندران شدیدتر شده، اما نابرابری فقر تغییر چندانی نداشته و به عبارت دیگر، توزیع درآمد در سالهای فوق میان افراد فقیر جامعه ثابت مانده است.
- ۶- به طور کل می‌توان گفت که در بین سالهای ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۵ وضعیت فقر در بین خانوارهای شهری استان مازندران بدتر شده است.

منابع و مأخذ

- ۱- پروین، سهیلا، «زمینه‌های اقتصادی فقر در ایران»، رساله دکتراي دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی دکتر نوری، ۱۳۷۲.
 - ۲- پژوهان، جمشید، «فقر، خط فقر و کاهش فقر»، مجله برنامه و بودجه، شماره ۲، ویژه‌نامه فقرزدایی، ۱۳۷۵.
 - ۳- پژوهان، جمشید، «گزارش طرح فقرزدایی در کشور جمهوری اسلامی ایران به انضمام متن لایحه پیشنهادی»، معاونت امور اجتماعی، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۵.
 - ۴- شفیعی، شهریار، «نگرشی جدید به مسأله فقر»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه مازندران به راهنمایی دکتر خسرو پیرایی، بابلسر ۱۳۷۷.
 - ۵- شوبرت، «فقر در کشورهای در حال توسعه: تعریف و وسعت و رهنمودها»، ترجمه تیمور محمدی، مجله برنامه و بودجه، شماره ۲، ویژه‌نامه فقرزدایی، ۱۳۷۵.
 - ۶- عظیمی، حسین، «فقر و محرومیت»، طرح تحقیقاتی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، تهران ۱۳۶۸.
 - ۷- غلامی تناج امیری، سعید، «تخمین خط فقر در استان مازندران در بررسی سیاستهای فقرزدایی در استان مازندران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، به راهنمایی دکتر نادران، ۱۳۷۷.
 - ۸- محبوب‌الحق، «مردم و توسعه»، ترجمه عزیز کیاوند، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۲۹، تیر ماه ۱۳۷۶.
 - ۹- مهریار، امیر هوشنگ، «فقر: تعریف و اندازه‌گیری آن»، برنامه و توسعه، دوره ۲، شماره ۸، تابستان ۱۳۷۳.
 - ۱۰- میرمحمدی، سید محمد، «کنکاش در استخراج الگوی نظری توسعه در اسلام از طریق فقرزدایی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، به راهنمایی دکتر سبحانی، تهران ۱۳۷۴.
- 1- Atkinson, "On The Measurement Of Poverty", *Econometrica*, 1987, Vol - 55, No4.
 2- Foste Greer and Thorbeche, "A Class Of Decomposable Poverty Measures", *Econometrica*, 1987, Vol 55, No 3.

- 3- Foster and Shorrocks, "Notes and Comments Opoverity Orderings", *Econometrica*, 1988, Vol 56, No 1.
- 4- Jenkins and Lambert, "Three 'I's of Poverty Curves' With an Analysis of UK poverty trends", *Oxford Economic Papers*, 1997, Vol 49, No 3.
- 5- Jenkins and Lambert, "Three 'I's of Poverty Curves : TIPs for Poverty Analysis", *Economics Discussion Paper*, 1996, No 98.
- 6- Rowntree, "Poverty and Progress", London, Longmans, 1941.
- 7- Sen A. K., "Poverty : An Ordinal Approach To Measurement", *Econometrica*, 1970, Vol44, No 2.
- 8- Shorrocks, "Notes and Comments: Revisiting the Sen Poverty India", *Econometrica*, 1995, Vol 63, No 5.
- 9- Yitzhaki, "Necessary and Sufficient Conditions For Dominance Using Absolute Lorenz Curves", Hebrew University, 1991.